

درس هفتم: سبک و سبک‌شناسی (سبک خراسانی)

تعریف سبک: «در اصطلاح ادبی، شیوه خاص یک اثر یا آثار ادبی است و به مجموعه ویژگی‌هایی که شاعر یا نویسنده در نحوه بیان اندیشه به کار می‌گیرد، «سبک شعر» می‌گویند.

- ۱: براساس نام شاعر یا نویسنده؛ مانند سبک فردوسی، سبک بیهقی؛
- ۲: براساس زمان و دوره اثر؛ مانند سبک دوره غزنوی، سبک دوره مشروطه
- ۳: براساس موضوع و نوع؛ مانند سبک عرفانی، سبک حماسی؛
- ۴: براساس محیط جغرافیایی؛ مانند سبک آذربایجانی و سبک خراسانی؛
- ۵: به تناسب مخاطب؛ مانند سبک عامیانه، سبک عالمانه؛
- ۶: براساس هدف؛ مانند سبک تعلیمی، سبک فکاهی؛
- ۷: براساس قلمرو دانشی؛ مانند علمی، فلسفی.

برای شعر

- ۱: سبک خراسانی یا ترکستانی (از آغاز شعر فارسی تا قرن ششم)؛
- ۲: سبک عراقی (از قرن ششم تا قرن دهم)؛
- ۳: سبک هندی (از قرن دهم تا سیزدهم)؛
- ۴: دوره بازگشت (در تمام طول قرن سیزدهم)؛
- ۵: دوره مشروطه؛
- ۶: دوره معاصر.

تقسیم‌بندی

ملک‌الشعراى بهار

برای شعر فارسی

- ۱: دوره سامانی (۳۰۰ تا ۴۵۰ هـ. ق)؛
- ۲: دوره غزنوی و سلجوقی اول (۴۵۰ تا ۵۵۰ هـ. ق)؛
- ۳: دوره سلجوقی دوم و خوارزمشاهیان، **نثر فنی** (۵۵۰ تا ۶۱۶ هـ. ق)؛
- ۴: دوره سبک عراقی، **نثر مصنوع** (۶۰۰ تا ۱۲۰۰ هـ. ق)؛
- ۵: دوره بازگشت ادبی (۱۲۰۰ تا ۱۳۰۰ هـ. ق)؛
- ۶: دوره ساده‌نویسی (۱۳۰۰ هـ. ق تا امروز).

تقسیم‌بندی

ملک‌الشعرای بهار

برای نثر فارسی

نکته: تقسیم‌بندی ملک‌الشعرای بهار بر مبنای **هوزه تاریخی** و **مغرافیایی** شعر است.

- ۱: نخستین آثار نظم زبان فارسی بعد از اسلام، ابتدا ← سیستان
- سپس ← خراسان بزرگ
- ۲: نام سبک آثار این دوران ← خراسانی
- ۳: به دلیل آنکه اوج آن در زمان سامانیان بوده، به آن سامانی نیز می‌گویند.
- سبک‌شناسی
- شعر
- دوره اول
- ۴: سبک خراسانی بر حسب زمان
- ۱: سامانی
- ۲: غزنوی
- ۳: سلجوقی
- ۵: سبک دوره سلجوقی ← بینابین (زیرا ویژگی‌های سبک عراقی را نیز دارد).
- ۶: شاعران معروف سبک خراسانی: رودکی، فردوسی و ناصر خسرو

سبک

۱: سادگی زبان شعر؛

۲: کم بودن لغات عربی - به جز اصطلاحات دینی و علمی - و لغات بیگانه

۳: تفاوت تلفظ برخی از کلمات؛ مثلاً، یک هزار به جای یک هزار

۴: کهنه و مهجور بودن بخشی از لغات؛ مثل: گبر - جوشن

۵: استفاده از دو نشانه برای یک متم، مانند: «زدش بر زمین بر به کردار شیر»

ویژگی های

زبانی

شعر خراسانی

۱: قالب عمده شعر این دوره، قصیده است؛ قالب های مسمط، ترجیع بند و مثنوی

نیز رواج دارد و قالب غزل در اواخر این دوره رشد می یابد.

۲: استفاده از آرایه های ادبی، طبیعی و در حد اعتدال است؛

۳: قافیه و ردیف، بسیار ساده است؛

۴: در توصیف پدیده ها بیشتر از تشبیه حسی بهره گرفته می شود.

ویژگی های

ادبی

شعر خراسانی

۱: روح شادی و نشاط و خوش باشی، در شعر غلبه دارد؛

۲: شعر واقع گراست و توصیفات عمدتاً طبیعی، ساده، محسوس و عینی است؛

۳: معشوق، عمدتاً زمینی است؛

۴: بیشتر روح حماسه بر ادبیات این دوره حاکم است؛

۵: اشعار پندآموز و اندرزگونه این دوره، ساده است و جنبه عملی و دستوری دارد؛

۶: مضمون عمده اشعار این سبک، حماسه، مدح و اندرز و... است؛

۷: فکر و کلام ساده است؛ و با عرفان، حکمت و فلسفه آمیخته نشده است.

ویژگی های

فکری

شعر خراسانی

نثر این دوره را در دو شاخه، بررسی می‌کنیم: **دوره سامانی**، **دوره غزنوی و سلجوقی**.

۱: ایجاز و اختصار در لفظ و معنا؛

کو تا که سخن گفتن

۲: تکرار فعل یا اسم به حکم ضرورت معنی؛

حدی ندارد

۳: کوتاهی جملات؛

ویژگی‌های

۴: لغات کم کاربرد فارسی در مقایسه با دوره‌های بعد؛

نثر

۵: بهره‌گیری کمتر از لغات عربی؛

دوره سامانی

۶: افزایش کاربرد نشانه‌های جمع فارسی بر جمع عربی.

جمع بر فارسی کو کی است

سادگی

محتوای نثرهای این دوره، بیشتر **علمی** است و گاهی نثرهای **حماسی**، **تاریخی** و **دینی** هم دیده می‌شود.

از نمونه‌های موفق نثر سامانی ← ترجمه تفسیر طبری، تاریخ بلعمی، التفهیم و شاهنامه ابومنصوری.

۱: اِطْناب (جمله‌ها معمولاً طولانی هستند)؛

ویژگی‌های

۲: تمثیل و استشهاد به آیات، احادیث و اشعار؛

نثر

۳: حذف افعال به قرینه؛

دوره غزنوی

۴: افزایش کاربرد لغات عربی (نسبت به دوره قبل)

و سلجوقی

جمع عربی بر فارسی

سخت‌تر از سامانی

از نمونه‌های موفق نثر غزنوی و سلجوقی ← تاریخ بیهقی، قابوسنامه، سفرنامه ناصر خسرو، سیاست‌نامه، کیمیای سعادت و کشف‌المحجوب

نمونه سوال

۱: صحیح یا غلط بودن عبارات زیر را مشخص کنید.

(الف) در طبقه‌بندی ارسطو، سبک فکاهی از جمله موارد مربوط به موضوع و نوع است. (ع)

(ب) سبک غزنوی را می‌توان بینابین نیز نامید. (ع)

(ج) در شعر سبک خراسانی، قافیه و ردیف بسیار ساده است. (ص)

(د) حذف افعال به قرینه از ویژگی‌های نثر دوره سامانی است. (ع)

۲: جاهای خالی را با کلمات مناسب تکمیل کنید.

(الف) سیاست‌نامه از کتاب‌های مربوط به دوره غزنوی و سلجوقی می‌باشد.

(ب) قالب مسلط سبک خراسانی قصیده است و خند در اواخر این دوره رواج می‌یابد.

(ج) معشوق در ادبیات دوره خراسانی عمدتاً زهی است.

(د) نخستین آثار نظم زبان فارسی ابتدا در سیستان و سپس در خراسان بزرگ پدید آمد.

۳: هریک از موارد ستون «الف» را به عبارت مناسب در ستون «ب» متصل کنید.

| «الف» | «ب» |
|------------------------|---------------------------------------|
| الف) نثر فنی ۴ | ۱: نثر دوره عراقی |
| ب) عالمانه و عامیانه ۲ | ۲: طبقه‌بندی سبکی بر اساس مخاطب |
| ج) کوتاهی جملات ۱ | ۳: نمونه نثر دوره سامانی |
| د) نثر مصنوع ۱ | ۴: نثر دوره سلجوقی دوم و خوارزمشاهیان |
| ه) التفهیم ۳ | ۵: ویژگی نثر دوره سامانی |

۴: به سوالات زیر پاسخ کوتاه بدهید.
الف) سبک را تعریف کنید. سبک خاص برادری یا آزادی

ب) تقسیم‌بندی ملک‌الشعراى بهار برای شعر بر چه مبنایی است؟ حوزه تاریخی و جغرافیایی

ج) سبک‌های فرعی سبک خراسانی را نام ببرید. ۱- سامانی - ۲- غزنوی - ۳- سلجوقی

۵: به سوالات زیر پاسخ کامل بدهید.

الف) طبقه‌بندی ملک‌الشعراى بهار برای شعر را به ترتیب بنویسید.
۱- خراسانی - ۲- عراقی - ۳- هندی - ۴- بازگشت - ۵- مسرور - ۶- معاصر

ب) ویژگی‌های زبانی شعر سبک خراسانی را بنویسید.
۱- سادگی زبان - ۲- کم بودن لغات عربی - ۳- تفاوت تلفظ و امثال - ۴- کاربرد آهنگی اضافه برای اصحتم - ۵- کاربرد لغات صحیح

ج) نمونه‌نثرهای دوره غزنوی و سلجوقی را بنویسید.

تاریخ بیهقی - قابوسنامه - سفرنامه ناصر خسرو - ۴- سیاست نامه - ۵- لسن‌المعجب - ۶- لیلیای سعادت

درس، ششم: وزن شعر فارسی

مطالب حفظی مهم این درس:

۱: تعریف علم عروض: علمی که قواعد وزن شعر و طبقه‌بندی وزن‌ها را از جنبه نظری و عملی تعیین می‌کند.

۲: واحد وزن در شعر فارسی مصراع است.

نکات مهم نوشتن شعر به خط عروضی:

۱: هر هجا را همانطور که می‌خوانیم می‌نویسیم.

۲: «ه» غیر ملفوظ در کلماتی چون «به»، «که»، «پروانه»، «سایه»، «کرانه» و ... در خط عروضی به حساب نمی‌آید و آنها را به شکل «ب»، «ک»، «پروان»، «سای» و «کران» می‌نویسیم.

۳: مصوت‌های کوتاه «ـُ» که در برخی کلمات به صورت «و» نوشته می‌شوند، باید به همان صورت «ـُ» تلفظ شوند. مانند: تو ← ت / خود ← خُد

۴: حروف تشدیددار با دوبار تلفظ می‌کنیم. مثل نجّار ← نَجّ / جار - معین ← مَعّ / عی / این

۵: واوهای عطف و ربط به صورت مصوت کوتاه «ـُ» نوشته می‌شوند. به عنوان مثال:

«شب است و شاهد و شمع و شراب و شیرینی» ← ش / بس / ت / شا / ه / د / شم / ع / ش / را
ب / شی / اری / نی

۶: تمامی مصوت‌های کوتاه در خط عروضی نوشته می‌شوند. مثال:

«عجب حلّوای قندی تو، امیر بی‌گزندی تو» ← ع / جَب / حَل / وا / ی / قَن / دی / ت / اء / می
ا / ر / بی / گ / زَن / دی / ت

۷: گاهی اوقات زمانی که پیش از همزه یک مصوّت و پس از آن یک صامت قرار می‌گیرد، آن همزه

حذف می‌شود. مثال: دانش‌آموز ← دا / ن / شا / موز
 دانش آموز

«دل از من برد و روی از من نهان کرد» ← د / لز / من / بر / اد / رو / یز / من / ان / هان / کرد

۸: همزه‌هایی که در شعر تلفظ می‌شود را باید با همان نشانه همزه (ء) بنویسیم.

مثال: آسمان ← اء / س / مان / با ادب ← با / اء / دب

۹: «و»هایی که در برخی کلمات نوشته می‌شوند اما تلفظ نمی‌شوند، در خط عروضی به حساب

نمی‌آیند. مثال: خواهر ← خا / هر / خواب ← خاب

مثالی برای نوشتن شعر به خط عروضی:

«با من بگو تا کیستی، مه‌ری بگو ماهی بگو / خوابی خیالی چیستی، اشکی بگو آهی بگو»

| | | | | | | | | | | | | | | | |
|----|----|---|----|----|----|---|----|----|----|---|----|----|----|---|----|
| با | من | ب | گو | تا | کی | س | تی | مه | ری | ب | گو | ما | هی | ب | گو |
| خا | بی | خ | یا | لی | چی | س | تی | ءش | کی | ب | گو | ءا | هی | ب | گو |

«بر سر آنم که گرز دست برآید / دست به کاری زدم که غصه سرآید»

| | | | | | | | | | | | | |
|----|---|---|----|----|---|----|---|----|---|---|----|----|
| بر | س | ر | ءا | نم | ک | گر | ز | دس | ت | ب | را | ید |
| دس | ت | ب | کا | ری | ز | نم | ک | غص | ص | س | را | ید |

نمونه سوال

۱: صحیح یا غلط بودن عبارات زیر را مشخص کنید.

الف) واحد وزن در شعر فارسی بیت است. (ع)

ب) در خط عروضی، حروف تشدیددار دوبار نوشته می‌شوند. (ص)

۲: ترکیبات زیر را یکبار با حذف همزه و یکبار بدون حذف همزه بنویسید و هجابندی کنید.

الف) شیرافکن: شیر / دَی / اکن
 - - -

ب) جگرآور: جگر / آور
 - - -

ج) دست‌انداز: دست / انداز
 - - -

د) خوش‌اندام: خوش / اندام
 - - -

ه) کارآزموده: کار / آزموده
 - - -

۳: ابیات زیر را به خط عروضی نوشته و تقطیع کنید.

خود شکن آینه شکستن خطاست

الف) آینه از نقش تو بنمود راست

د ا ی | ب | ک ر | ن ف | س ر | ت | ب | د | ه و | د | ر ا س ت
ح و | س | ر | د | ن ا | ی ی | ب | س | ل س | ت | ح | ه ا س ت

چو بیکاری یقین بی مزد مانی

ب) اگر کاری کنی مزدی ستانی

د ا ک ر | ه ا | ر ی | ر | ن ی | م ر | د ی | س | ن ا | م ا ی
ح و | ب | ک ا | ر ی | د | ق ی | م ر | د | م ا | م ا ی

غنچه باشی کودکانت برکنند

ج) دانه باشی مرغکانت برچنند

د ا ب | ج ا | س ی | م ر | غ | ه ا | ن ت | ب ر | ح | ن د
ع ن | ح | ب ا | ش ی | ه و | د ک ا | ن ت | ب ر | ر | ن د

کی بوده‌ای نهفته که پیدا کنم تو را

د) کی رفته‌ای ز دل که تمنا کنم تو را

ل ی | ر ی | ب | د ی | ر | د ل | ر | ت | م ن | د ا | ر | م | و
ح | ب و | د | د ی | ر | ل ف | ب | د | پ د | د ا | ر | م | و

درس نهم: موازنه و ترصیع

موازنه: تقابل سجع‌های متوازی و متوازن میان کلمات دو مصراع

آرایه موازنه زمانی شکل می‌گیرد که اگر کلمات دو مصراع را دو به دو در مقابل یکدیگر قرار دهیم، غیر از واژگانی که عیناً شبیه به یکدیگر هستند، با هم سجع متوازی یا متوازن بسازند.

مثال: «چرخ ار چه رفیع خاک پایت عقل ار چه بزرگ طفل راحت»
 U = U - U
 U = U - U

| | | | | | |
|------------|-------|-------|------------|------------|------------|
| چرخ | ار | چه | رفیع | خاک | پایت |
| عقل | ار | چه | بزرگ | طفل | راحت |
| سجع متوازن | یکسان | یکسان | سجع متوازن | سجع متوازن | سجع متوازن |

ترصیع: تقابل سجع‌های متوازی میان کلمات دو مصراع

آرایه ترصیع زمانی شکل می‌گیرد که اگر ، با هم سجع متوازی بسازند.

مثال: شکرشکن است یا سخن‌گوی من است عنبرذقن است یا سمن‌بوی من است

| | | | | | | | |
|------------|------------|-------|-------|------------|------------|-------|-------|
| شکر | شکن | است | یا | سخن | گوی | من | است |
| عنبر | ذقن | است | یا | سمن | بوی | من | است |
| سجع متوازی | سجع متوازی | یکسان | یکسان | سجع متوازی | سجع متوازی | یکسان | یکسان |

U = = U
 U = = U

نکته ۱: اگر حتی یکی از واژگان با واژه مقابل خود در مصراع دیگر سجعی را نسازد، آرایه موازنه یا ترصیع شکل نمی‌گیرد.

— U
— U U

مثال: «گر عزم جفا داری، سر در رهت اندازم / و راه وفا گیری، جان در قدمت ریزم»

| | | | | | | | |
|-----------|-----------|-------|------------|------------|------------|------------|------------|
| اندازم | رهت | در | سر | داری | جفا | عزم | گر |
| ریزم | قدمت | جان | جانی | گیری | وفا | راه | ور |
| سجع ندارد | سجع ندارد | یکسان | سجع متوازن | سجع متوازن | سجع متوازی | سجع متوازن | سجع متوازی |

موازنه

همانطور که مشاهده می‌شود، دو کلمه پایانی با کلمات مقابل خود سجعی را نساخته‌اند؛ پس آرایه موازنه یا ترصیع نداریم.

نکته ۲: اگر حتی یکی از کلمات با کلمه مقابل خود در مصراع دیگر سجعی متوازی نسازد، دیگر ترصیع نداریم.

موازنه

مثال: «عالم همه عابدند و معبود یکی است / دنیا همه ساجدند و مسجود یکی است»

| | | | | | | |
|-------|-------|------------|-------|------------|-------|------------|
| است | یکی | معبود | و | عابدند | همه | عالم |
| است | یکی | مسجود | و | ساجدند | همه | دنیا |
| یکسان | یکسان | سجع متوازی | یکسان | سجع متوازی | یکسان | سجع متوازن |

نکته ۳: در بررسی هر کلمه، حروف الحاقی آنها را کنار می‌گذاریم و در نظر نمی‌گیریم.

نمونه سوال

U _ _
U _ _

۱: در نمونه‌های زیر، وموازنه و ترصیع را مشخص کنید.

موازنه

ز تیغ تو بهرام بریان شود
U U

الف) ز گرز تو خورشید گریان شود
U U U

ترصیع

ما ز دریاییم و دریا می‌رویم
U U

ب) ما ز بالاییم و بالا می‌رویم
U U

ترصیع

ما ز درون را بنگریم و حال را

ج) ما برون را ننگریم و قال را
U U U

موازنه

نفس تا کشی حرف چنگ است و نی
U U U U

د) نظر تا کنی عرض نقل و می
U U U U

موازنه

ه) بهاری گز دو رخسارش همی شمس و قمر خیزد نگاری گز دو یاقوتش همی شهد و شکر ریزد
U U U U U U

۲: کدام یک از ابیات زیر موازنه و کدام یک ترصیع دارند؟ چرا؟

| | |
|------------------------------------|--|
| چرا ساقی نمی گوید درودی ن ی ی ی | الف) چرا مطرب نمی خواند سرودی ن ی ی ی |
| مرگ بی مرگی بود مارا حلال ی ی ی | ب) برگ بی برگی بود مارا نوال ی ی ی |

بیت الف موازنه دارد زیرا از تقابل سجع های متوازی و متوازن به وجود آمده
بیت ب ترصیع دارد زیرا از تقابل سجع متوازی به وجود آمده

۳: کدام از یک ابیات زیر موازنه یا ترصیع ندارند؟ چرا؟

| | |
|--|--|
| وز لعل شکر بار می و نقل فروریز د ا ر د | الف) در بزم زرخسار دوصد شمع برافروز ن ی ن ی |
| وفا گل بود بر دشمن فشانندی ی ی ی ی | ب) جفا پل بود بر عاشق شکستی ی ی ی ی |
| تیغ جفای او را جز جان سپر نباشد ی ی ی ی | ج) تیر بلای او را جز دل هدف نباشد ی ی ی ی |

الف - زیرا برخی کلمات دو مصراع در تقابل با یکدیگر سجع متوازی یا متوازن

نوع سازند

درس اول: زبان و ادبیات فارسی در سده‌های پنجم و ششم و ویژگی‌های سبکی آن

عوامل مهم پیشرفت و گسترش زبان و ادبیات فارسی در این دوره

۱: گرایش شاهان در جلب عالمان و ادیبان به دربار؛

۲: لشکرکشی‌ها و فتوحات غزنویان؛

۳: توسعه مدارس و مراکز تعلیم

پدیده‌های عمده برای زبان فارسی در این دوره:

۱: گسترش فارسی دری و آمیزش آن با کلمات و لغات نواحی مرکزی و غربی ایران؛

۲: درآمیختن زبان فارسی با لغات زبان عربی؛

۳: آمیختگی با واژه‌ها، نام‌ها و لقب‌های غیررایج در عصر غزنوی و سلجوقی.

«همونطور که تو بفشای قبلی فیلی مفصل درباره‌ش حرف زدیم، تو اوایل ظهور شعر فارسی، شرق ایران حکم قطب ادبی رو داشت و هرروز ۳ داشت پیشرفت می‌کرد. بپه‌ها هیچ اتفاق بزرگی بدون وجود یه سری شرایط امکان نراره رخ بره. پس این پیشرفت توی شعر هم یه سری دلایل داشت. مهم‌ترین دلیلش این بود که بزرگان مملکت و کسانی که در راس کارها بودن مثل پادشاه، وزرا و بقیه افراد مهم، از ادبیات و علم و فرهنگ حمایت می‌کردن و این دلیلی بود برای این موضوع که شاعرا و اهل علم و ادب انگیزه‌ای برای کار کردن و فلق آثار ادبی مهم داشته باشن. یه دلیل دیگشم این بود که در زمان غزنویان و مأمون پادشاهی مأمون، فتوحاتی انجام شد که باعث شد قلمرو پادشاهی ایران فیلی فیلی بزرگ تر بشه و به همین دلیل مناطق بیشتری با زبان و ادبیات فارسی آشنا شدن و ادب فارسی این مجال رو پیدا کرد که بتونه تو مناطقی مثل هندوستان ظهور پیدا کنه و بیشتر دیده و شنیده بشه و طرفدارای بیشتری هم پیدا کنه. دلیل بعری هم این بود که تو اون دوران مراکز تاسیس شد که اونجا به دانش‌آموزا اینجور مطالب رو درس می‌دادن و باعث می‌شدن علم و ادب پیشرفت بکنه. حالا بریم سراغ اتفاقاتی که برای زبان فارسی تو اون دوران افتاد. شاید بزرگ‌ترین اتفاق این بود که زبان عربی تونست نفوذ بیشتری رو داشته باشه و با لغات و زبان فارسی ترکیب بشه. فارسی دری هم تو اون دوران گسترش پیدا کرد و تونست با لغات غرب و مرکز ایران ترکیب بشه. اتفاق دیگه این بود که چون حکومت‌های غزنوی و سلجوقی ترک‌نژاد بودن، فیلی از واژه‌ها و القاب ترکی راه پیدا کرد تو زبان فارسی و از بعضیاش هنوز که هنوزه داریم استفاده می‌کنیم.»

- ۱: آمیختگی بیشتر با لغات **عربی** با گذشت زمان
- ۲: رشد و گسترش زبان فارسی در **هند** با لشکرکشی‌های محمود
- ۳: تبدیل شدن زبان فارسی در هند به عنوان زبان نظامی، سیاسی و **مقدس**
- ۴: تا نیمه دوم قرن ۵ و اوایل ۶: شعر فارسی تحت تأثیر دوره سامانی و غزنوی
- ۵: سخن شاعرانی چون **ناصرخسرو** ← یادآور سروده‌های قرن ۴
- ۶: موضوع قابل توجه شعر نیمه دوم قرن ۶ ← علاقه‌مندی به سرایش **غزل**
- ۷: **انوری** و هم‌سبکان او در آوردن مضامین دقیق در غزل کوشیدند.
- ۸: تحوّل دهندگان **غزل** ← **سنایی و انوری**
- ۹: شاعران حوزه **آذربایجان** ← **خاقانی و نظامی**
- ۱۰: شاعران حوزه ادبی فارسی و عراق **عجم** ← در تجدید سبک مؤثر بودند.
- ۱۱: شاعر معروف حوزه فارس و مرکزی ← **جمال‌الدین عبدالرزاق اصفهانی**
- ۱۲: نیمه دوم قرن ۶ و اوایل ۷: شعر متحوّل شد و باعث ظهور سبک عراقی شد.
- ۱۳: شاعران از مدح پادشاهان پرهیز می‌کردند. مثل ← **ناصرخسرو و سنایی**
- ۱۴: تحوّل روحی و معنوی **سنایی** موجب دگرگونی عمیق در شعر فارسی شد.
- ۱۵: به پیروی از **سنایی** شاعران به عرفان و تصوّف روی آوردند.
- ۱۶: **خانقاه‌ها** در حکم پشتیبان و پناهگاه شعر فارسی درآمدند.
- ۱۷: از مسائل موجود در شعر این دوره ← بدبینی شاعران نسبت به روزگار، بدبینی به دنیا و بریدن از آن، بیان ناخرسندی فرزنانگان و طرح مسائل اجتماعی

نکات مهم

شعر نیمه

دوم قرن ۵

و قرن ۶

۱: قرن ۴ و اوایل قرن ۵ ← ظهور نثر فارسی

۲: نیمه قرن ۵ ← بلوغ نثر فارسی

۳: قرن ۶ و اوایل قرن ۷ ← پختگی و کمال نثر فارسی

۴: در این دوره نثر ساده به کمال رسید و نثر مصنوع هم رایج شد.

توجه نویسندگان } ۱: گسترش عرفان و تصوّف

به فارسی نویسی } ۲: شکل گیری دولت سلجوقی و استفاده از نویسندگان ایرانی

۵: شکل گیری نثر موزون

نکات مهم

۶: ویژگی اصلی نثر موزون ← به کارگیری سجع

نثر نیمه

۷: کسی که شیوه نثر موزون را به کمال رساند ← خواجه عبدالله انصاری

دوم قرن ۵

۸: نمونه دیگر نثر موزون ← کشف الاسرار و عده الابرار توسط ابوالفضل میبیدی

و قرن ۶

۹: نوع دیگر نثر در این دوران ← نثر فنی

۱۰: ویژگی نثر فنی ← به کارگیری آرایه های ادبی فراوان، امثال و اشعار

۱۱: دوره رواج نثر فنی ← قرن ششم

۱۲: نخستین نمونه نثر فنی ← کلیله و دمنه اثر ابوالمعالی نصرالله منشی

۱: از میان رفتن لغات مهجور فارسی نسبت به سبک خراسانی؛

۲: فراوانی ترکیبات نو؛

۳: کاهش سادگی و روانی کلام و حرکت به سوی دشواری متون؛

۴: ورود لغات زبان ترکی و مغولی به زبان فارسی

ویژگی‌های زبانی

شعر این دوره

۱: رواج و اوج‌گیری بیشتر قالب‌های شعری، به ویژه **غزل و مثنوی**؛

۲: رواج داستان‌سرایی و منظومه‌های داستانی؛

۳: توجه بیشتر به آرایه‌های ادبی؛

۴: به کارگیری ردیف‌های فعلی و اسمی دشوار در شعر.

ویژگی‌های ادبی

شعر این دوره

۱: ورود اصطلاحات عرفانی؛

۲: فراوانی **وعظ و اندرز** در شعر؛

۳: فاصله‌گرفتن **غزل از عشق زمینی**؛

۴: رواج **هجو** در شعر؛

۵: رواج **حسّ دینی**؛

۶: رواج **مفاخره، شکایت و انتقاد اجتماعی**

ویژگی‌های فکری

شعر این دوره

۱: استفاده از آرایه‌های ادبی؛ مانند: موازنه، سجع، مراعات نظیر، تشبیه و ...؛

۲: حذف افعال به قرینه؛

۳: کاربرد لغات مهجور عربی، ترکی و مغولی و اصطلاحات علمی و فنی؛

۴: رواج نثر داستانی، تمثیلی و عرفانی؛

۵: آوردن مترادف‌ها و توصیف‌های فراوان؛

۶: کاربرد آیات، احادیث و اشعار در متن؛

۷: استفاده از ترکیبات دشوار.

ویژگی‌های

نثر فارسی

در این دوره

برخی آثار معروف این دوره ← قابوسنامه، تاریخ بیهقی، چهارمقاله نظامی عروضی، مقامات حمیدی، کلیله و دمنه.

نمونه سوال

۱: جاهای خالی را با کلمات مناسب تکمیل کنید.

الف) تحوّل روحی و معنوی بسیاری آغازی برای دگرگونی عمیق در شعر فارسی شد.

ب) ایوری و هم‌سبکان او در آوردن مضامین دقیق در غزل کوشیدند.

ج) زادعبداللہ نصاری شیوه نثر مور=زون را به کمال رساند.

د) در نیمه دوم قرن پنجم با بلوغ نثر فارسی مواجه می‌شویم.

۲: صحیح یا غلط بودن عبارات زیر را مشخص کنید.

الف) دوره رواج نثر فنی قرن پنجم بود. (ع)

ب) کتاب کشف الاسرار و عده الابرار اثر نصرالله منشی از نمونه نثرهای موزون است. (ع)

ج) خاقانی و نظامی از جمله شاعران معروف حوزه آذربایجان بودند. (ص)

د) انوری و نظامی از تحول دهندگان غزل بودند. (ع)

نظامی

۳: به سوالات زیر پاسخ کوتاه دهید.

الف) دلایل گسترش فارسی نویسی در قرن ششم چه بود؟
۱- لیسری عربی و تصویری

ب) یک شاعر حوزه مرکزی ایران را نام ببرید.
۲- سلال کبری دولت سلجوقی و اسفندره از نویسندگان ابراری
جمال الدین عبدالکریم اصفهانی

ج) کتابهای نثر شاخص قرن پنجم و ششم را نام ببرید.
تاریخ سلجوقی - قابوسنامه - معانی - مکتب

کلیله و دمنه - چهارمقاله نظامی عروضی

د) وضعیت زبان فارسی در هندوستان به چه شکل بود؟
زبانی سیاسی، نظامی و مقدس - مکتب اردی

درس یازدهم: قافیه

ردیف: کلماتی یکسان از نظر نوشتار، تلفظ و معنا که در پایان مصراع قرار میگیرند. (وجود ردیف در شعر الزامی نیست). مثال:

«نشود فاش کسی آنچه میان **من و توست** تا اشارات نظر نامه‌رسان **من و توست**»

همانطور که پیداست، ترکیب **من و توست** در پایان هر دو مصراع به یک شکل آمده است.

نکته: اگر کلمات پایان مصراع از لحاظ تلفظ و نوشتار یکسان باشند اما معنای یکسانی نداشته باشند، دیگر ردیف نداریم و آن دو واژه را قافیه به حساب می‌آوریم. مثال:

«گلاب است گویی به جویش **روان** همی شاد گردد ز بویش **روان**»

کلمه **روان** در مصراع اول در معنای «جاری» و در مصراع دوم در معنای «جان است». پس این دو واژه دیگر ردیف نیستند و واژگان قافیه را تشکیل می‌دهند.

واژگان قافیه: کلماتی که در پایان مصراع‌ها می‌آیند (در صورت وجود ردیف یک واژه پیش از ردیف می‌آیند) که حرف یا حروف پایانی آنها باهم مشترک است.

«چنین داد پاسخ فریدون که **تخت** نماند به کس جاودانه نه **بخت**»

«نفس باد صبا **مشک‌فشان** خواهد شد عالم پیر دگر باره **جوان** خواهد شد»

حروف الحاقی (تبصره ۱): پسوندها، ضمائر، ادات جمع، ی نکره و ... که به پایان کلمات می‌چسبند.

نکته مهم: برای یافتن حروف اصلی قافیه، در صورت وجود حروف الحاقی مشترک در هر دو مصراع باید آنها را حذف کنیم.

دوستداران

روزگار

یاد باد آن روزگاران یاد باد»

«روز وصل دوستداران یاد باد

همانطور که واضح است، اصل کلمات «دوستدار» و «روزگار» است و «ان» به صورت الحاقی به پایان این کلمات چسبیده است.

حروف اصلی: هجای مشترک پایانی میان واژگان قافیه (بدون در نظر گرفتن حروف الحاقی) روش یافتن حروف اصلی: از پایان واژه قافیه به سمت اول آن حرکت می‌کنیم. اگر به صامت‌ها رسیدیم عبور می‌کنیم و هر جا به مصوت رسیدیم، همانجا متوقف می‌شویم. آن مصوت و صامت‌های پس از آن (در صورت وجود) حروف اصلی قافیه را تشکیل می‌دهند. مثال:

دیوار ← ار درخت ← خت دریا ← ا آهو ← و

«بر سر آنم که گر ز دست برآید دست به کاری زدم که غصه سرآید»

ردیف: آید واژگان قافیه: بر و سر حروف اصلی: ر

قاعده قافیه: این موضوع بر اساس حروف اصلی تعیین می‌شود. اگر حرف اصلی واژگان قافیه تنها دارای یک مصوت بلند «آ» یا «او» باشد، قاعده قافیه ۱ است؛ اما اگر علاوه بر مصوت، صامت نیز داشته باشد، قاعده قافیه ۲ است. مثال:

«کی رفته‌ای ز دل که تمنا کنم تو را کی بوده‌ای نهفته که پیدا کنم تو را»

واژگان قافیه: تمنا و هویدا حرف اصلی: آ قاعده قافیه: ۱

«کاشکی جز تو کسی داشتمی یا به تو دسترسی داشتمی»

واژگان قافیه: کسی و دست رسی الحاقی: ی حروف اصلی: س قاعده قافیه: ۲

حرف روی: به آخرین حرف حروف اصلی، روی گفته می‌شود. مثال:

«کی شعر تر انگیزد خاطر که حزین باشد یک نکته از این معنی گفتیم و همین باشد»

واژگان قافیه: حزین و همین حروف اصلی: ین حرف روی: ن

بررسی دو نوع مختلف قافیه:

۱: ذوقافیتین (دارای دو قافیه): زمانی که یک بیت دارای دو قافیه در پایان مصراع‌ها باشد،

ذوقافیتین شکل می‌گیرد. مثال:

«ای از مکارم تو شده در جهان خیر افکنده از سیاست تو آسمان سپر»

۲: قافیۀ درونی (میانی): آوردن قافیه در پایان یک چهارم‌های مصراع‌ها و یا آوردن کلمات هم‌قافیه
به صورت پشت سر هم. مثال:

«گلزار و باغ عالمی، چشم و چراغ عالمی هم درد و داغ عالمی، چون پا نهی اندر جفا»

قافیه در شعر نو: قافیه در این قالب مقید به اصولی خاص نیست و شاعر هر جا که بخواهد می‌تواند

قافیه را بیاورد. مثال:

«عاشقم بهار را، رویش ستاره در کویر را

رهنورد دشت‌های عاشقی

پر ز باده سپید باد جام تو

ای که چون غزال تشنه آب تازه می‌خورد

مزرع دلم ز جاری کلام تو

در غبار کام تو»

نمونه سوال

۱: ردیف، واژگان قافیه، حروف اصلی، حروف الحاقی، حرف روی و قاعده قافیه ابیات زیر را مشخص کنید.

الف) بنمای رخ که باغ و گلستانم آرزوست بگشای لب که قند فراوانم آرزوست
ردیف: آرزوست / واژگان: گلستانم / غذاوانم الحاقی: آرزوست
اصلی: ال / روی: ن قاعده: ۲
ب) آب آتش فروز، عشق آمد آتش آب سوز، عشق آمد
اصلی: وز / روی: ز قاعده: ۲

ج) در پیش بی دردان چرا فریاد بی حاصل کنم گر شکوه ای دارم ز دل با یار صاحب دل کنم
ردیف: فریاد قاعده: ۲
اصلی: دل / روی: ل قاعده: ۲

د) چندانکه گفتم غم با طبیبان درمان نکردند مسکین غریبان
الحاقی: ال / اصلی: ب روی: ب قاعده: ۲

ه) من از دست کمانداران ابرو نمی یارم گذر کردن به هر سو

اصلی: و روی: و قاعده: ۱

(و) بسی تیر و دی ماه و اردیبهشت برآید که ما خاک باشیم و خشت

اصلی: رَسْت / روی: ت / قاعده: ۲

ی) پرسیدم از هلال که قَدّت چرا خَم است گفتا خمیدن قدم از بار ماتم است

اصلی: م / روی: م / قاعده: ۲

قافیہ در روی

۲: نوع قافیۀ ابیات زیر را تعیین کنید.

الف) مرده بدم زنده شدم گریه بدم خنده شدم دولت عشق آمد و من دولت پاینده شدم

ب) طرفه دارند یاران صبر من بر داغ و درد داغ و دردی کز تو باشد خوشتر است از باغ و ورد

دو قافیس

درس دوازدهم: جناس و انواع آن

جناس در معنای هم‌جنس بودن کلمات است که می‌تواند ۲ نوع اصلی را دارا باشد:

۱: جناس تام (همسان) ۲: جناس ناقص (ناهمسان)

جناس تام (همسان): این نوع جناس زمانی شکل می‌گیرد که دو کلمه عیناً به مانند یکدیگر نوشته و تلفظ شوند و تنها معنای آنها با یکدیگر متفاوت باشد. مثال:

«ای مرغ اگر **پری** به سر کوی آن صنم پیغام دوستان برسانی بدان **پری**»

کلمه «پری» در مصراع اول در معنای «بپری یا پرواز کنی» به کار رفته است اما در مصراع دوم «زیبارو» معنا می‌شود.

جناس ناهمسان (ناقص): این نوع جناس در کلماتی شکل می‌گیرد که در یک واج با یکدیگر اختلاف و یا افزایش و کاهش داشته باشند. جناس ناقص به سه دسته تقسیم می‌شود:

۱: جناس ناقص اختلافی: زمانی که دو واژه در یک صامت و یا مصوت بلند با یکدیگر اختلاف داشته باشند. مثل:

«مگذران روز **هلامت** به **هلامت** حافظ چه توقع ز جهان گذران می‌داری»

«دل من هست از این **بازار** **بهار** قسم خواهی، به **دادار** و به **دهدار**»

۲: جناس ناقص افزایشی: زمانی که یک واژه نسبت به واژه دیگر یک واج بیشتر داشته باشد. این واج اضافه می‌تواند در اول، وسط و آخر کلمه باشد. مانند:

«مرا زمانه ز **یارم** به منزلی انداخت که راضی‌ام به نسیمی کز آن **دیار** آید»

۳: جناس ناقص حرکتی: زمانی که اختلاف دو واژه تنها در مصوت‌های کوتاه باشد. مانند:

«شکر کند چرخ فلک از **مَلِک** و **مُلک** و **مَلک** کز کرم و بخشش او روشن و بخشنده شدم»

اشتقاق: زمانی که دو یا چند کلمه با یکدیگر هم‌ریشه باشند، اشتقاق شکل می‌گیرد. مانند:

«ای **دلیل** دل گمگشته خدا را مددی که غریب از نبرد ره به **دلالت** برود»

نمونه سوال

اختلافی

(۱) در نمونه‌های زیر، جناس را مشخص کرده و نوع آنها را بنویسید.

الف) وقت است تا برگ سفر بر **باره** بندیم / دل بر عبور از سد **خار** و **خاره** بندیم
افزایشی

ب) من که باشم در آن **حرم** که صبا / پرده‌دار **حریم** حرمت اوست
استعاری

ج) به **جفایی** و **قفایی** نرود عاشق صادق / مژه بر هم نزند گر بزنی تیر و کمانش
اختلافی

د) به ملک جم مشو غره که این پیران رویین‌تن / به **دستان**ت به دست آرد اگر خود **پیر** **دستانی** ز **زال**
جناس نام (همسان)

ه) تا **روانم** هست نامت بر زبان دارم **روان** / تا وجودم هست خواهد بود نقش‌ت در ضمیر
جان
جاری
جناس نام (همسان)

و) زد به دلم در آتشی عشق بتی که نام او زهره و آفتاب را زهره به آب می کند

جناس ناقص مرکبی

ی) بگفت از سور کمتر گوی با مور که موران را قناعت بهتر از سور

جناس ناقص افعالی

ن) گل نعمتی است هدیه فرستاده از بهشت مردم کریم تر شود اندر نعیم گل

اسفالی

م) هر که گوید کلاغ چون باز است نشنودش که دیده‌ها باز است جناس ناسخ (شمال)

پرسوده

پرنده

ی) در این حضرت چو مشتاقان نیاز آرند ناز آرند که با این در اگر در بند در مانند درمانند

جناس ناسخ افعالی